

قصه های قرآن

علیرضا افشاری مقدم



یکی از مباحث بسیار جالب و دقیق و پندآموز قرآنی، بحث قصه ها یا داستانهای قرآنی است. در صفحات مختلفی از قرآن، در سوره ها و آیات متفاوتی به داستانهای مختلف در زمینه و موضوعات مختلف بر می خوریم به طوری که حدود ۱/۴ آیات قرآن را آیات مربوط به داستانهای قرآن فرا گرفته است. ممکن است تا به حال به ذهن شما این مطلب خطور کرده باشد که علت بازگو کردن این همه داستان در قرآن چیست؟ و به چه علتی خداوند حکیم در کتاب مقدس و جاودانیش از این همه داستان استفاده کرده است؟ شاید اولین چیزی که به محض شنیدن کلمه «داستان» یا «قصه» به ذهن بعضی خطور کند، شنیدن داستان در دوران کودکی و یا برای خوابیدن اطفال و یا سرگرم کردن بچه ها برای شلوغ نکردن و یا برای پر کردن اوقات بی کاری و فراغت باشد. ولی باید بدانید که اگر چنین تفکری در مورد داستان داریم تنها به یک روی سکه نظر کرده ایم و به نکات عمیق اخلاقی، تربیتی و جامعه شناسی و... داستان توجه نکرده ایم و لذا باید با نگاه ژرفتر و تدبیری به داستان نگاه کرد و در رأس تمام داستانهای دنیا، داستانهای قرآن است البته به هیچ عنوان قابل قیاس با داستانهای بشری نیست زیرا قرآن از طرف خداوند حکیمی آمده که تمام حرفها و مثالها و جمله بندیها و معانی و هزاران نکته ظریف دیگر از روی حکمت و دقت در کتابش آورده است از جمله مسایل دقیق و قابل تأمل در قرآن مسأله (قصه های قرآن) است که خداوند این قصه ها را از روی حکمت و دین خاصی آورده است که از آن جمله:

۱. هدف از وجود قصه در قرآن به هدف از نزول آن باز می گردد و این که قرآن کتابی است که متضمن هدایت مردم است و چون قرآن برای هدایت عامه مردم نازل شده، برای سخن گفتن و مخاطب ساختن آنها ناچار باید زبانی را انتخاب کند که برای همگان قابل فهم باشد. مثلاً در بحثهای اصول عقاید به ویژه خداشناسی، تکیه آن معمولاً بر برهان نظم و برهان فطرت است؛ زیرا این دو برهان برای هر کسی مشهود و قابل استفاده است. به همین ترتیب در مسایل اجتماعی و آموزشهای اخلاقی و بیان سنتها، تکیه آن، معمولاً بر طرح متنها و قصه هاست.

۲. انسان به طور فطری از شنیدن یک مطلب به صورت داستان استقبال می‌کند، شنیدن داستان برای انسان در هر دوره و مرحله‌ای از سن او، شیرین و جالب است (انسان به شنیدن سخنی که در آن مثل و نمونه وجود ندارد و صرفاً توضیح غرض‌گوینده است، چندان علاقه‌ای ندارد).

۳. داستان و تاریخ برای همه کس قابل فهم و درک است برخلاف استدلال‌ات عقلی که همه در فهم آن یکسان نیستند.

۴. انسان غالباً به شنیدن پند و اندرز که مستقیماً به او گفته شود اشتیاقی ندارد و حتی گاهی سخن مستقیم به صورت نصیحت، حالت فرار نیز در او ایجاد می‌کند. اگر شخص، دیگری را نصیحت کند و نفر سومی هم به طور غیر مستقیم و بدون این که مخاطب باشد سخنان او را بشنود در او اثر بیشتری خواهد داشت، تا شخص مخاطب.

۵. انسان‌ها غالباً به یک موجودی که به نظر آنها دارای کمالات و برتری‌ها است به عنوان یک قهرمان گرایش پیدا می‌کنند و توجه آن‌ها بیشتر معطوف به او و کمالاتش و امتیازاتش می‌شود و سعی می‌کنند که زندگی خود را متناسب با افکار و اندیشه‌ها و نحوه زندگی او حتی در نوع لباس پوشیدن و راه رفتن و غذا خوردن و حرف زدن، تنظیم کنند و او را الگوی خود قرار دهند گاهی این قهرمان یک هنرپیشه و بازیگر، ورزشکار، سیاستمدار و یا یک دانشمند است. گاهی گرایش به یک قهرمان حتی قهرمان ساختگی و بی‌ارزش آن چنان در دل انسان قوت می‌گیرد که تمام افکار و توجهات انسان اختصاص به او پیدا می‌کند.

بنابراین می‌توان گفت در قرآن با توجه به این نوع گرایش در انسان‌ها، ذکری از مسائل مربوط به قهرمان‌های الهی و کسانی که حقیقتاً دارای کمالات و برتری‌ها و قداست‌هایی می‌باشند به میان آمده تا انسان‌ها آن‌ها را رهبر و مقتدا و قهرمان خود انتخاب کنند و راه زندگی خود را شبیه آن‌ها قرار دهند.

۶. داستان یک قالب مناسب برای طرح مسائلی است که بیان مستقیم آن‌ها احتمالاً نمی‌تواند از تأثیر لازم برخوردار باشد داستان چه به صورت نظم و چه در شکل نمایشنامه و فیلم، اثری در خواننده می‌گذارد که استدلال‌ات عقلی نمی‌گذارد زیرا انسان قبل از آن که عقلی باشد، حسی است.

۷. تاریخ، آزمایشگاه مسایل گوناگون زندگی بشر است و آن چه را که انسان در ذهن خود با دلایل عقلی ترسیم می‌کند در صفحات تاریخ به صورت عینی باز می‌یابد، تاریخ با زبان بی‌زبانیش نتایج قطعی و غیر قابل انکار مکتب‌ها، روش‌ها و برنامه‌های هر قوم و گروهی را بازگو کند، داستانهای پیشینیان، مجموعه‌ای است از پرازشترین تجربیات آن‌ها و می‌دانیم که محصول زندگی چیزی جز تجربه نیست تاریخ آئینه‌ای است که تمام قامت جوامع انسانی را در خود منعکس می‌سازد، زشتی‌ها، زیبایی‌ها، کامیابی‌ها، ناکامی‌ها و پیروزی‌ها و شکست‌ها و عوامل به وجود آمده هر یک از این امور را در تاریخ می‌توان یافت.

حال اگر تاریخ بزرگترین آزمایشگاه زندگی باشد داستان‌های راستین قرآن، مؤثرترین و مطمئن‌ترین چیزی است که ما را به نتایج قطعی کردار و رفتار متن جهان آشنا می‌سازد.